

هانا آرنت

عمیقاً خرسندم که چند سالی است در کنار دیگر کارهایم، به تدریس فلسفه غربِ پسا-رنسانس اشتغال دارم. شخصاً، طی برگزاری این دوره‌های درازآهنگ، فراوان آموخته‌ام و زیست-جهان جهان فلسفی‌ام، بسی فراختر شده است. چهار سال پیش، با درسگفتار «فلسفه ویتگنشتاین متقدم» و «فلسفه ویتگنشتاین متاخر» آغاز کردم. بعد، به سر وقت «روشنگری و فلسفه کانت» رفتم. «معرفت‌شناسی و تفکر نقادانه» و «فلسفه اخلاق» پس از آن در رسیدند. سپس دوره‌های «فلسفه کیر که گارد» و «فلسفه اسپینوزا» برگزار شدند؛ در ادامه به سر وقت «فلسفه هیوم» و «فلسفه دکارت» رفتم. سپس تر به سراغ فیلسوفان قرن نوزدهم رفتم و دوره‌های «فلسفه شوپنهاور» و «فلسفه نیچه» را برگزار کردم؛ اخیراً «فلسفه نیچه» به پایان رسید. تمام فایل‌های صوتی این سلسه درسگفتارها در سایت شخصی و کانال تلگرامی‌ام در دسترس است. امیدوارم در آینده‌ای نه چندان دور، مجال انتشار صورت منقح شده این درسگفتارها را در قالب آثار فلسفی پیدا کنم.

هر یک از این دوره‌ها، که به طور متوسط پانزده جلسه به درازا انجامید، برایم بسان یک سفر فلسفی بوده؛ سفری ماجراجویانه، پر تب و تاب و لذت‌بخش که از محلی مشخص آغاز شد و در مقصدی از پیش تعیین نشده به پایان رسید. روزگاری که در ایران مشغول درس و مشق بودم؛ تحقیق و تدریس فلسفی‌ام معطوف به قلمروی فلسفه تحلیلی بود و در چهار حوزه فلسفه زبان، فلسفه اخلاق، فلسفه دین و معرفت‌شناسی. آن ایام این مجال را نیافتم که در هوای فیلسوفان دورانسازی چون کیر که گارد، اسپینوزا، شوپنهاور و نیچه دم زنم و به نحو حدی آثارشان را در مطالعه گیرم. از بخت بلندم، در این سوی کره خاکی، طی پنج سال اخیر، این مجال را یافته و انبان ذهنم را از این حیث آکنده‌ام.

اکنون که این سطور را می‌نویسم، پس از انتشار کتاب‌هایی چند در حوزه فلسفه تحلیلی طی یازده سال گذشته، عمیقاً بر این باورم که تفکر و تفلسفِ جدی و جامع‌الاطراف و رهگشا، متضمن فراتر رفتن از دوگانه تحلیلی/قاره‌ای است و گشوده بودن نسبت به هر دو میراثِ گرانسنگ فلسفه تحلیلی و قاره‌ای و در فضای آنها بسر بردن و در میراث فلسفی بشری به دیده عنایت نگرستن و لا غیر؛ که: «زین روش بر اوج انور می‌روی».

در ادامه این سفر پر پیچ و خم فلسفی، به زودی، تدریس دوره «فلسفه هانا آرنت» را در «بنیاد سهروردی» آغاز می‌کنم.

